

بسم الله الرحمن الرحيم

سلسله جلسات "از پيله تا پروانه"

جلسه هشتم: خداشناسی

خداشناسی دو بخش اساسی دارد: ۱. اثبات وجود خدا-۲. سخن گفتن از خصوصیات و صفات و افعال و یگانگی خدا

بنابراین قبل از اینکه بگوییم خدا چه صفاتی دارد و چه ویژگی هایی ندارد، باید ببینیم اساساً جهان هستی خدایی دارد؟ و بعد به این ویژگی ها بپردازیم.

وجود خدای متعال در جهان هستی نیاز به اثبات ندارد؛ یعنی امری منطبق با فطرت انسان است و خدای متعال هم وقتی میخواهد این بحث را در قرآن مطرح کند، می فرماید (أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ: آیا در خدایی که آفریننده جهان هستی است، مگر میشود شک کرد؟)

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود

هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار

آدمیت همه تنبیه خداوند دل است

دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

لذا وقتی پیامبر اکرم(ص) با اصحابشان از جایی رد میشدند و به پیرزنی رسیدند که کنار دوک نخ ریسی خودش نشسته و با یک مشت استخوانش این دوک را میچرخاند و پنبه را تبدیل به نخ میکرد؛ پیامبر از او پرسیدند: بِمَ عَرَفْتِ رَبَّكَ؟ خدا را از کجا شناختی؟

پیرزن به جای اینکه استدلال و برهان بیاورد، به صورت عملی جواب پیامبر را داد؛ دستش را از روی چرخ نخ ریسی برداشت و چرخ از حرکت ایستاد؛ سپس به پیامبر نگاهی کرد و گفت: این چرخ نخ ریسی برای حرکت به یک مشت استخوان من نیاز دارد؛ آن وقت میشود جهانی که این همه ستاره و سیاره و موجودات دارد، به گرداننده نیاز نداشته باشد؟!

وقتی میگوییم اثبات وجود خدا فطری است و نیاز به استدلال ندارد، منظور همین است.

بلی در طبع هر داننده ای هست

که با گردنده، گرداننده ای هست

از آن چرخى که گرداند زن پير

قياس چرخ گردون را همى گير

اما در کتاب های فلسفی دلایلی را برای اثبات وجود خدا مطرح کرده اند؛ از جمله برهان علت و معلول که میگوید هر معلولی حتما علت میخواید و نمیشود هیچ پدیده ای در جهان بدون پدیدآورنده باشد.

یکی دیگر از این استدلال ها برهان واجب و ممکن است که میگوید هر چیزی که در عالم هست، زمانی نبوده و قطعاً پدیدآورنده ای آن را به وجود آورده است.

مثلا در بیابانی میرویم که یکدفعه تکه کاغذی را میبینیم و آن را برمیداریم که روی آن نوشته:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند

تا تو نانی به کف آری و به غفلت مخوری

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار

شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

ما فکر کنیم این شعر به صورت تصادفی بدون اینکه مدیر و خالق پشت آن باشد، به وجود آمده! هیچ عقلی این را نمی پذیرد و میداند که هر پدیده ای خالق میخواید.

لذا علمای اسلام در طول ۱۴۰۰ سال کتابی در مورد اثبات وجود خدا ننوشته اند و معتبرترین کتاب حدیثی ما کتب اربعه است (کافی، تهذیب، استبصار، فقیه) که برای ۳ نفر از علمای بزرگ قرن ۳ و ۴ است؛ کلینی، شیخ طوسی و شیخ صدوق و در این کتب اربعه هم قوی ترین و جامع ترین کتاب، کافی است که ۸ جلد دارد؛ ۲ جلد اصول کافی، ۵ جلد فروع کافی و ۱ جلد روضه کافی که نویسنده آن کلینی زاده شهرری میباشد و مرقد مطهرش در بغداد کنار قبر سفیر چهارم امام زمان (عج) قرار دارد.

بعد از قرآن و نهج البلاغه و صحیفه سجادیه یکی از معتبرترین کتاب های ما کتب کافی است.

در جلد اول کافی آنجا که خدانشناسی شروع میشود، بحث اثبات وجود خدا ندارد و از اول سراغ یگانگی خدا میرود.

بقیه علمای اسلام هم در بحث خدانشناسی از توحید و یکتاپرستی شروع کردند و اصل وجود خدا را اثبات نکرده اند.

آنچه مربوط به ذات خدای متعال است، برای عقل ما انسان ها قابل درک نیست! بنابراین درباره ذات خداوند نه باید فکر کرد و نه به نتیجه میرسیم.

امام کاظم (ع) فرمودند: ذات خدا دریایی ژرف و عمیق است که همه موجودات در آن غرق شده اند؛ پس درباره ذات خدا فکر نکنید.

اهل بیت به ما سفارش کرده اند هر وقت میخواهید در مورد خدا فکر کنید، راجع به افعال و صفات او و نعمت هایی که به ما داده فکر کنید.

صفات خداوند بر دو قسم است:

۱. صفاتی که خداوند آنها را دارد = صفات ثبوتی یا صفات جمال

۲. صفاتی که خداوند آنها را ندارد و از آنها منزّه است = صفات سلبی یا صفات جلال

کلمه شریف {الحمد لله} جامع همه صفات ثبوتی خدا و کلمه {سبحان الله} جامع همه صفات سلبی خدا است.

ابیات زیر اشاره به عمده ترین صفات جمال و جلال خداوند دارد:

عالم و قادر و حیّ است و مرید و مدرک

هم قدیم و ازلی هم متکلم صادق

نه مرکب بود و جسم نه مرئی نه محل

بی شریک است و معانی تو غنی دان خالق